



۲۰۱۶/۰۱/۲۷



م. اسحاق نگارگر

انسان دارای ارزش ذاتی است!

باز مدتی در شفاخانه خوابیدم و اتفاقاً این بار از اندازه معمول چند روز بیشتر خوابیدم و به دلیل کم خونی های ناشی از عملیات یک شب نیز گرفتار حمله آنژین قلبی شدم و دو نرس با یک دوکتور خانم جوان از ساعت یک صبح تا چهار صبح با من سر و کله زدند تا مرا از چنگال خطر رهانیدند. آن سه نفر صمیمانه تپ و تلاش می کردند تا وضع مرا به حال عادی برگردانند. ما چهار تن بودیم که از چهار گوشه دنیا زیر یک سقف گرد آمده بودیم و چهار نقش گوناگون به گردن های ما افتاده بود.



من بیمار بودم، یک خانم سیاه پوست و یک خانم سپید پوست و یک خانم دوکتور گندم رنگ. ما چهار کس با هم شناسایی قبلی نداشتیم و فقط به عنوان چهار انسان با هم در تعامل بودیم و برای همدیگر دارای ارزش های ذاتی بودیم.

برای روشن شدن قضیه باید مثالی بدهم. ما انسان ها برخی از پدیده های هستی را به خاطر هدفی غیر از نفس شی می خواهیم و بنا بر این آن پدیده ها برای ما ارزش ذاتی ندارند.

نان را برای رفع گرسنگی می خواهیم و اگر آدم گرسنه نیست نیازی به نان ندارد و شکم سیر از کندوی غله نفرت می کند. انسان دارای ارزش ذاتی است یعنی انسان ضرور نیست یکی از نیاز های مادی ما را تسکین بدهد تا برایش ارزش بدهیم.

ارزش ذاتی انسان از او هرگز جدا نمی شود و همین ارزش ذاتی است که بر ما نهیب می زند تا حق انسانیت دیگران را رعایت نماییم.

من در شفاخانه بودم که برایم گفتند:

"طالبان هفت تن از کارکنان یک مؤسسه را که برای تلویزیون طلوع برنامه تیار می کردند کُشتند!" استدلال طالبان اگر بتوان آن را استدلال خواند این بود که گویا تلویزیون طلوع هنگام حمله طالبان بر قندز شایعه ای پخش کرده بودند که گویا طالبان بر خوابگاه دختران حمله نموده و مرتکب تجاوز های جنسی نیز گردیده اند. وقتی مسؤولان بر جریان عادی خبرها اعمال سانسور کنند با این کار خود بر شایعه دامن می زنند اما این مسأله کاملاً بر خلاف ارزش ذاتی است که او را به خاطر شایعه ای که پخش شده است به شدید ترین مجازات ها محکوم میکنند. در آیین اسلام قتل انسان

بدون حکم محکمه جواز ندارد و هیچ کس نمی تواند هفت کس را که به یک شبکه نشراتی ارتباط دارند بدین شیوه محکوم کند و با خونسردی بکشد.

خوشبخت است آن جوامع که انسان در آن از ارزش ذاتی خود برخوردار است و کسی انسان را به خاطر شایعه نمی کشد. و اما برای من عجیب است که برخی از علمای مسلمان پای را بر ضد سریال های داستانی برهنه کرده اند. اگر مردم واقعاً فرصت اثرپذیری از گفته این و آن را دارند پس ملا صاحبان نیز باید مطمئن باشند که مردم گفته های شان را می شنوند. غالب این داستان ها به همان شاهکار های هزار و یک شب بر میگردد که مردم قرن هاست با آن خو گرفته اند و در طول سال ها از زبانی بسته و بر سینه ای نشسته است.

اگر صحبت سرد ملا هیچ دلی را گرم نمی کند به خاطر این است که ملا از راه دین به ثروت اندوزی روی آورده است و مردم حق دارند از جناب ملا مدرک ثروت او را بپرسند که دم سرد ملا معلول آلودگی نفس او است. قانون باید استوار به دفاع از ارزش ذاتی انسان برخیزد و اگر یک نفر را هم به خاطر زیر پا گذاری ارزش ذاتی انسان مجازات کند نشان خواهد داد که تطبیق قانون نباید به دست اشخاص و افراد منفرد بیفتد که هر وقت دل شان خواست به تخمین خود مردم را مجرم حساب و به شیوه خاص خود مجازات کنند.

فاعتبروا یا اولی الابصار.

بر منگم - یکشنبه ۲۴ جنوری ۲۰۱۶

نگارگر

